

عَيْنِ جَمْع - عَيْنِ وَ غَيْبِ

عَيْنِ جَمْع:

متحقق به معانی جمیع اشیا، متحد با کُلّ، واجد مرتبه جمع از روی کمال و تمام. جمع: جمع و فرق. وعین الجمع نزد صوفیان نظر سالک است به حقّ بی ملاحظه اغیار، مقابل: عین التفرقه، و بعضی آن را مرادف فنا گرفته اند. شرح شطحیات روزبهان بقلی شیرازی، طبع طهران، ص ۶۲۸، جمع: کشف اصطلاحات الفنون در ذیل: جمع.

اگر خواهی که عین جمع باشی همین شد چاره و درمان همین شد ج ۲، ب ۷۰۵۵ «دیوان، ج ۷، ص ۵۵۱»

عَيْنِ وَ عِيَان:

حقیقت و شهود آن، ذات و شخص

و معاینه آن اعمّ از محسوس و معقول،

چشم ظاهر و شهود قلبی سوی آن چشم نظر کن که بود مست تجلی که در آن چشم بیابی گهر عین و عیان را

ج ۱، ب ۱۸۳۱ شه و شاهین جلالی که چنین با پروبالی نه گمانی نه خیالی همه عینی و عیانی ج ۶، ب ۲۹۹۰۷ «دیوان، ج ۷، ص ۵۵۱»

عَيْنِ وَ غَيْبِ:

محسوس و معقول، مادی و مجرد، دیدنی و نادیدنی.

از عین به غیب راه داریم زیرا همراه یک دینیم ج ۳، ب ۱۶۳۱۴ «دیوان، ج ۷، ص ۵۵۱»

غ - غَفَلت

دوستان و پیمان شکنی هم نشینان و معاشران، همواره در پیش چشم باشد، آنگاه چگونه ممکن است آدمی دست به کار معیشت زند و با مردم آمیزش کند و به اعتماد مردمی که از اشباه آنها هزاران بی وفایی و نقض عهد و غرض ورزی و سخن چینی و نظائر آن، در حق خود و دیگران دیده است، سخنی بر زبان آرد و اسرار خود را در غم و شادی برون ریزد یا در عملی خوض کند. به همین سبب است که انسان در ایام جوانی که سرد و گرم روزگار را نچشیده و عواقب لذات را نسنجیده است، بر مردم بیشتر اعتماد دارد و نشاط عملش روز افزون است و از لذات زندگی بهره بیشتر می برد و به همان اندازه که پا به سن می گذارد و تجربه می اندوزد و یاران را می آزماید کمتر لذت می برد و دوست هر چه اندک تر می گیرد تا بدانجا که سرانجام تنها و بی کس می ماند و در روزگار پیری که حس آخر بینی و عاقبت نگری سخت به نیرو است دیگر کسی را جز به ندرت دوست حقیقی خویش نمی انگارد، لیکن این هوشیاری مایه تنگدلی و ارمان خواری و حسرت و مانع ترقی و پیشرفتی است که بر اثر اعتماد و معاشرت و اقدام به عمل، هر انسانی بدان تواند رسید. پس ما حق

«غ»

غایب:

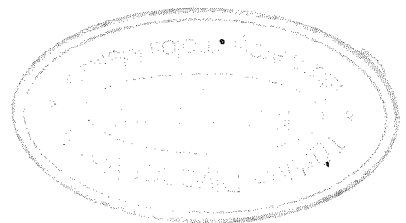
صوفی در حال حصول غیبت. «رساله، ص ۷۷۹»

غَسَلین:

به کسر اول و سکون ثانی، چرک و ریم که از تن دوزخیان برآید. درختی در دوزخ. (محیط المحيط). «بهاء، ج ۲، ص ۳۲۹»

غَفَلت:

غفلت و فراموشی از امور گذشته و نسبت بدانچه واقع خواهد شد، نعمتی است بزرگ که بدون آن خوشی و التذاد، صورت نمی گیرد و روابط انسان با مردم برقرار نمی ماند و کار جهان نظام نمی پذیرد. فرض کنید که آنچه بر انسان گذشته است از مرگ عزیزان و جفای



8 KASIM 1997  
IRANIAN LIBRARY AND ARCHIVES  
REPUBLIC OF IRAN

GAFLET

297.541 MAH-M 11047

347.72. HEV. B 27354

297.84 MAV. E. 8424

297.501. CEB. A 10114

الفقه الإسلامي

تعريف العقلة وحكمها: ١٢١ / ٤

من له الولاية على المقل: ١٤٤ / ٤

اثر الحجر على المقل: ٤٤٧ / ٥

بدء الحجر على المقل والنفية ونهايته: ٤٤٧ / ٥

ابن عابد بن

الحجر على ذي العقلة: ١٠٩ / ٥

الموسوعة الفقهية، ~~عمر~~ md. si: ٩٧ / ١٧

المبادئ الشرعية والقانونية، بعض ملاحظات، ص ١٢٢

تبيين الحقائق، ١٩٨ / ٥

مقتضى المحتاج، ١٧٠ / ٥

البدائع، ١٦٩ / ٧

المقتضى، ابن قدامة، ٥١٧-٦ / ٤

عوارض الأهلية عند الأصوليين، حسين خليف الجبوري، ص ٢٢١

المتنص، ١٤١ / ٨ (هل الغافل مكلف؟)

16 OCAK 1994

مظاہری ، حسین ، آیت الہ " غلفت از یاد خداوند " امید انقلاب ، سال ۱۹۶۰  
۵ ، ش ۱۲۰ ( ۷ دی ۱۳۶۲ ) : ص ۱۸ - ۱۹ ، ۲۷ .

GAFLET

Gaflet

Meyerovitch, Mystique, s. 97,

144, 151, 218

297.2

# فرهنگ

## لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی

Türkiye Diyanet Vakfı İslâm Ansiklopedisi Kütüphanesi	
Kitap No :	1314
Sıra No :	481.503 SEC. F



کتابخانه جمهوری  
تهران - شش برضای روبروی دانشگاه  
تلفن ۶۶۸۲۳۵-۴۶۳۳۰

غفلت

باشد و از علم خود غافل شده  
علم او حکم حال را پیدا کرده  
استغراق اشاره است در کشف قوه  
از جهت توالی نور کشف مستفرا  
شده و از کمال حال خود غافل  
۳ استغراق شواهد در جمع که ا  
کشف خود مستغرق شده باشد که  
خود را با حق جمع کرده باشد  
منازل ص ۱۸۵ .

**غزال رعنا** - محبوب لم یزلی .  
حافظ گوید :

صبا بلطف بگو آن غزال رعنا را  
که عشق کوه و بیابان تو داده  
شکر فروش که عمرش دراز باد چرا  
تفقدی نکند طوطی شکر

**غشاوه** - غشاوت پرده و پوشش و بر  
پرده و حجاب است بواسطه تصفیه با  
\*  
بردار غشاوت و غشا از دیده  
تا آینهات باز منور  
غشیه - غشیه عیسارت از غیبت قلب  
بواسطه آنچه وارد بر آن شود و بر  
عبد آشکار شود (لمع ص ۳۴۵)  
غفلت - غفلت در اصطلاح اهل الله  
بودن دل است از حقیقت .  
در شرح کلمات بابا طاهر است که  
غفلت حرمان بنده است از ذکر حق  
کلمات بابا ص ۱۲۵  
در دستور العلماء است که: غفلت  
کردن نفس است بر آنچه میخواهد و

ضرورت و اقتضای حال است که در میان  
قومی جاهل و یا فاسد باشد و چنین  
شخص غریب است در میان آنها و غیر  
اختیاری است ۳ غریب طلب حق است  
که غریب عارف است زیرا همت عارف  
معروف است و او در میان اهل آخرت  
غریب است .  
در شرح کلمات بابا طاهر است که «الغریبه  
سرالتفرید من عین التوحید» که در میان خلق  
بی انیس باشد .  
و باز گوید «حقیقه الغریبه الرجوع الی  
الحق بلا طریق ولا شکل» .  
و باز گوید: غریب فقدان تسلی است (شرح  
کلمات بابا طاهر ص ۲۴۴ - شرح منازل  
ص ۱۸۴)  
و تقید نفوس عارفین است در جهان مادی  
در حال که تجانسی موجود نیست و گفته اند:  
«الغریب المستوحش من الالف» (طبقات  
ص ۳۲۶) .  
**غریب** - غریب اهل عرفان را گویند که در  
میان اهل دنیا غریب اند و ظاهراً در حال  
مسافرت اند و از اوطان خود دورند و  
دیگر آنکه حال و رفتار آنها بر اهل  
ظاهر غیر مألوف است و دیگر آنکه با  
اهل دنیا و آخرت انس نگیرند .  
**غرق** - غرق کسی است که از مقام تفرّد  
گذشته باشد و مستغرق در مرتبت جمع  
شده باشد و آنرا سه درجه است ۱ استغراق  
علم است در عین حال که حال بر او غالب شده

غ

آنها پذیرفته و بواسطه آن پذیرش تمام  
خلاء را گرفته است و این خلاء را ابعاد  
موهومی است بدون جسم و از این جهت در  
غایت دوری از حضرت قدس احدیت است و  
لهذا بغراب که رهی از دوری و سیاهی  
است موسوم ساخته اند (اصطلاحات شاه نعمت  
الله ص ۱۹ - کشف ص ۱۰۸۸) .  
**غرامت** - غرامت عبارت از طعامی است  
که اهل الله در رجعت بعد از غیبت برای  
اهل خانقاه میآورند که بعنوان حق القدوم  
است (مصباح الهدایه ص ۱۵۹) .  
**غریب** - غریب یعنی دوری و دوری از وطن  
و دوری از هر چیز را در عرف غریب  
گویند مثلاً فلان مطلب برای فلان شخص  
غریب است یعنی دور است از آن و نمی فهمد  
و غریب از وطن یعنی دور از وطن، لفظ غریب  
یا کلام غریب یعنی غامض و غیر مألوف و غریب  
بمعنی «غاب» آمده است و در اصطلاح  
مراد از غریب تفرید و تنها ماندن است  
از اکفاء و آنرا سه درجه است ۱ غریب  
از اوطان ۲ غریب حال که در مقام

**غارت** - غارت جذبۀ الهی را گویند که  
پیوسته بدل سالک رسد، بی واسطه  
سلوک و مجاهدت (کشف ص ۱۵۹۲) .  
در اصطلاحات عراقی است که: غارت  
جذبۀ الهی را گویند بی واسطه سلوک و اعمال .  
**غاشیه** - حجاب دل است که گفته اند و دلها  
را غاشیه است (از تفسیر حدائق ص ۱۲۵) .  
**غافل** - کسی که حقایق را در نیافته و فکر  
نمیکند که دریافته است غافل گویند  
و الغافلون یعنی فانیان و الذاکرون  
یعنی فانیان در رحمت الله و المارقون یعنی فانیان  
فی لطف الله و المادقون یعنی فانیان فی قرب  
الله و المحبون یعنی فانیان فی الانس بالله  
و الشوق الیه» (طبقات ص ۲۳۴) .  
**غایت** - رجوع شود به سبب  
**غیبات** - حالت شدت سکر را گویند .  
(از عده ج ۹ ص ۳۳)  
**غراب** - غراب کنایت از جسم کلی است و  
جسم کلی در غایت دوری است از عالم  
قدس و حضرت احدیت .  
و آن اولین صورتی است که جوهر هبائی

اللفظة	الآية	رقعها السورة رقعها
أَسْتَغْفِرُ: وما كان استغفار إبراهيم لأبيه إلا عن موعدة ١١٤ السورة ٩		
أَسْتَغْفِرِينَ: الصابرين والصادقين والقانتين والمنفقين والمستغفرين بالأسحار ... ١٧ م آل عمران ٣		
تَعْمَلُونَ: رد الذين كفروا لوتفعلون عن أسلحتكم وأمتعتكم ١٠٢ النساء ٤		
أَغْفَلْنَا: ولا تطع من أغفلنا قلبه عن ذكرنا وأتبع هواه ... ٢٨ م الكهف ١٨		
بِغَافِلٍ: وإن منها لما يهبط من خشية الله وما الله بغافل عما تعملون ... ٧٤ م البقرة ٢		
وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يردون إلى أشد العذاب وما الله بغافل عما تعملون ... ٨٥ م ... ٢		
ومن أظلم عن كتم شهادة عنده من الله وما الله بغافل عما تعملون ... ١٤٠ م ... ٢		
وإن الذين أوتوا الكتاب ليدلوا أنه الحق من ربهم وما الله بغافل عما يعملون ... ١٤٤ م ... ٢		
وإنه لخلق من ربك وما الله بغافل عما تعملون ... ١٤٩ م ... ٢		
تنبؤنا عوجا وأتم شهادا وما الله بغافل عما تعملون ٩٩ م آل عمران ٣		
ولكل درجات مما عملوا وما ربك بغافل عما يعملون ١٣٢ م الأنعام ٦		
فأعبده وتوكل عليه وما ربك بغافل عما تعملون ... ١٢٣ م هود ١١		
سيريك آياته فتعرفونها وما ربك بغافل عما تعملون ٩٣ م النمل ٢٧		
غَافِلًا: ولا تحبين الله غافلا عما يعمل الظالمون ... ٤٣ م إبراهيم ١٤		
غَافِلُونَ: ذلك أن لم يكن ربك مهلك القرى بظلم أهلها غافلون ١٣١ م الأنعام ٦		
(٩) أوتيك كالأنعام بل هم أضل أولئك هم الغافلون ... ١٧٩ م الأعراف ٧		
والذين هم عن آياتنا غافلون . أولئك ما أوهم النار ٧ م يسونس ١٠		
وإن كثيرا من الناس عن آياتنا لغافلون ... ٩٢ م ... ١٠		
وأخاف أن يأكله اللهب وأتم عنه غافلون ... ١٣ م يوسف ١٢		
أولئك الذين طبع الله على قلوبهم وهم لا يبصرون وأولئك هم الغافلون ... ١٠٨ م التحل ١٦		
يعلمون ظاهرا من الحيات الدنيا وهم عن الآخرة هم غافلون ٧ م الروم ٣٠		
لنتذر قوما ما أنذر آياتهم فهم غافلون ... ٦ م ... ٣٦		
وهم عن دعائهم غافلون ... ٥ م ... ٤٦		
غَافِلِينَ: وإن كنا عن دراستهم لغافلين ... ١٥٦ م الأنعام ٦		
(٨) فأغفرناهم في اليوم كذبوا آياتنا وكانوا عنها غافلين ١٣٦ م الأعراف ٧		
ذلك بأنهم كذبوا بآياتنا وكانوا عنها غافلين ... ١٤٦ م ... ٧		
شهادة أن تقولوا يوم القيامة إنا كنا عن هذا غافلين ١٧٢ م ... ٧		
ودون الجهر من القول بالعدو والآصال ولا تكن من الغافلين ٢٠٥ م ... ٧		
فكنن بالله شيئا بيننا وبينكم إن كنا عن عبادتكم لغافلين ٢٩ م يسونس ١٠		
وإن كنت من قبله لمن الغافلين ... ٣ م يوسف ١٢		
واقعد خلفنا فوقكم سبع طرائق وما كنا عن الخلق غافلين ١٧ م المؤمنون ٢٣		

# لمعجم المفهرس للإقفاظ القرآني الكبير

وضعه

محمد فوزي عبد الغني

المكتبة الإسلامية

محمد اوزدمير

استانبول تركيا

هاتف : ٢٢٤٦٨٢

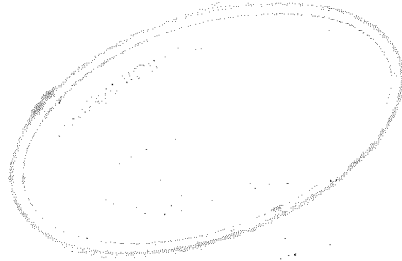
١٩٨٢

٦١١

D.1342

MADDE YATIRILMADAN  
SONRA KULENİ KUTUMAN

05 EYLÜL 1998



## KUR'ÂN'DA GAFLET KAVRAMI

YRD. DOÇ. DR. M. FAİK YILMAZ \*

İnsanların, kullandıkları her kelimeye yükledikleri bir anlam vardır. Kelimelere yüklenen bu anlam vasıtasıyla insanlar, birbirlerine meramını anlatabilmektedirler. Yüce Allah'ın, insanları doğru yola davet etmek için peygamberleri vasıtasıyla göndermiş olduğu kitaplar da aynı dili ve kelimeleri kullanmışlardır. Özellikle son peygamberi Hz. Muhammed (s.a.v.)'i tebliği ile görevlendirdiği Kur'ân-ı Kerim'i de Arapça olarak indiren Yüce Allah, Kitab'ında o dönemde yaşayan insanların anlayabilecekleri açık bir dil kullanmıştır. Kısacası Kur'ân'ı oluşturan ifadelerin tümü, o günkü insanların kullandıkları dilden başka bir şey değildir.

Ancak bu ifadelerin bir kısmı, İslam'ın dünya görüşüyle yeni yeni anlamlar kazanmaya başladı. Çünkü, Kur'ân, yeni bir din, yeni bir kültür, yeni bir ahlak ve hayat anlayışı getirmişti.

İşte bu yeni dinin ve kültürün tesiriyle bazı ifadeler, cahiliye döneminde kullanılageldikleri anlamın dışında başka anlamlar kazanmaya başladılar. Aynı durum, Kur'ân'ın nüzûlünü tamamlamasını müteakiben İslam'ın karşılaştığı diğer medeniyetlerden etkilenmesi sonucu oluşan, İslamî kavramlar için de geçerlidir.

Gaflet kavramı değişik şekillerde Kur'ân'da otuzbeş ayette geçmektedir. Bunlardan onbirinde Allah'ın gafil olmadığı ısrarla vurgulanmaktadır. Hz. Peygamber de gafillerden olmaması hususunda uyarılmakta ve insanların bir çok hususta gaflete düştükleri müteaddit defalar tekrar edilmektedir. Oysa bugün

\* Yüzüncü Yıl Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Tefsir Anabilim Dalı